



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در این بود که آقای مهدی حائری در کتاب "حکمت و حکومت" گفته اند در اسلام حکومت اسلامی نداریم و این یک امری است که مردم خودشان آن را تأسیس و برقرار و اجراء می کنند و نیازی به وحی و نبوت در این مورد نیست، مردم عاقلند و همان طور که با عقل عملی مایحتاج زندگی اجتماعی خودشان مثل قصابی نانوائی و آهنگری را تأمین می کنند حکومت را نیز تشکیل می دهند لذا دیگر نیازی به وحی و نبوت نیست تا ما بحث کنیم که آیا حکومت اسلامی و یا ولایت فقیه داریم یا نداریم! از کسی که ساهای طولانی در حوزه ها بوده چنین کلامات و استدلال هائی بعید است، ایشان می فرماید طبق برخی آیات قران کریم مثل: ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾<sup>۱</sup> وظیفه پیغمبران الهی فقط تبلیغ و تذکر بوده نه تشکیل حکومت و یا طبق آیه شریفه: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورِي بَيْنَهُمْ﴾<sup>۲</sup> مسلمان با شوری کارشان را پیش می برند و نیازی به نصب کسی از ناحیه خداوند و تشکیل حکومت و اداره امور مردم توسط او نیست.

ما عرض می کنیم که بله پیغمبران الهی موظف به ابلاغ بوده اند منتهی ابلاغ اسلام و یکی از مسائلی که در اسلام بسیار روشن است همین تشکیل حکومت اسلامی می باشد، پیغمبر نیز مرحله به مرحله تبلیغ کرد و ابتدا از اقوام و بستگان خودش شروع کرد و در مورد همین مرحله اول در المراجعات گفته شده که حضرت سه شبانه روز از آنها پذیرائی کرد و بعد فرمود کدامیک از

شما حاضر است بعد از من برادر و خلیفه و وزیر من باشد؟ که هیچ کس غیر از علی بن ابی طالب علیه السلام جواب نداد، خب همین وزارت یکی از شعون حکومت می باشد و معلوم می شود که پیغمبر از همان آغاز دعوت و در جلسه یوم الدار مسئله حکومت را مطرح کرده است.

یکی دیگر از دلائل ما نامه های پیغمبر صلی الله علیه و آله به سلاطین می باشد که در آنها حضرت فرموده یا اسلام را قبول کنید و یا ما با شما جهاد خواهیم کرد که خب همین دلیل بر ایجاد و یا وجود یک قدرت و حکومت اسلامی می باشد.

خیلی لازم است ما کتابی بنویسیم و کارهای پیامبران الهی را مورد بررسی قرار بدهیم مثلاً حضرت ابراهیم چرا می خواهد نمود را کنار بزند؟ خب علتش این است که ظالم و فاسد بود و حکومتی ظالم و فاسد داشت لذا حضرت ابراهیم با او مبارزه می کرد و این مطالب از الف باء قران کریم و بسیار بدیهی است علی ای حال پیغمبران الهی ابلاغ و تذکر داشته اند اما کارهای دیگری مثل مبارزه با ظلم و فساد و تشکیل حکومت نیز داشته اند.

خوب و اما در جواب از استدلال به آیه شریفه: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورِي بَيْنَهُمْ﴾<sup>۳</sup> باید عرض کنیم که مراد از "امرهم" کسانی هستند که بر اساس فرهنگ اسلام آنجا برای شوری اجتماع کرده اند و این مطلب در آیات قبلی نیز بیان شده است: ﴿وَالَّذِينَ يَخْتَفُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ (۳۷) وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورِي بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۸)﴾<sup>۴</sup> بنابراین استدلال ایشان صحیح نمی باشد و از این قبیل آیات ما زیاد داریم مثلاً در این

<sup>۱</sup> سوره عنکبوت، آیه ۱۸.

<sup>۲</sup> سوره شوری، آیه ۳۸.

<sup>۳</sup> سوره شوری، آیه ۳۸.

<sup>۴</sup> سوره شوری، آیه ۳۷ و ۳۸.

بشر به این با عظمتی مدیری قرار نداده باشد این نقص در خلقت است و از طرفی اگر خداوند متعال نداند عدم تعیین مدیر برای اجتماع بشر نقص است که خب جهل او لازم می آید و خداوند از جهل منزه است و همچنین اگر خداوند نتواند این نقص را بر طرف کند عجز و ناتوانی او پیش می آید در حالی که خداوند منزه از عجز و ناتوانی است و اما وقتی که خداوند یک نفر را معین می کند و اگر نکند جهل و عجز است باید این شخص بسیار کامل باشد چون در غیر این صورت فیاض بودنش خدشه دار می شود پس خدای عالم قادر فیاض نظامی أحسن و أكمل و أتقن بوجود می آورد و نظام أحسن و أكمل و أتقن آن است که در آن یک مدیری از جانب خداوند با سلسله مراتب نصب شود یعنی پیامبر و بعد امام و در زمان غیبت امام نواب او یعنی فقهاء، خلاصه این یک راه بسیار روشن و واضحی می باشد و حرفی که این آقای مهدی حائری با این سابقه حوزی زده بسیار بعید می باشد.

مسئله ریاست و حکومت در اسلام و قران بسیار روشن است مثلا در آیه این شریفه ذکر شده: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَكِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ هُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَ مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾<sup>۶</sup>، که خب معلوم می شود پیغمبران حکومت داشته اند و برای اصلاح جامعه فعالیت و تلاش و حتی جهاد می کردند بنابراین قاعده کلی همین است که افراد صالحی باشند و جامعه را اداره کنند و إلا فساد پیش می آید.

تا همین مقدار بحث در مسئله ولایت فقیه کافی می باشد إن شاء الله از فردا بحث جدیدی را شروع خواهیم کرد...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

آیه شریفه در مورد حضرت ابراهیم گفته شده: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>۵</sup>، یعنی حضرت ابراهیم را به عنوان امام و پیشوا قرار داده درحالی که شما می گوئید پیغمبران الهی برای تبلیغ آمده اند! خب این قران ماست و یستفاد از آن که خداوند متعال از ابتداء برای بشر امام و راهنما و مدیر قرار داده است تا مردم را مدیریت کند.

نمونه دیگر در اثبات کلام خودمان و رد کلام آقای مهدی حائری خطبه اول نهج البلاغه می باشد که در آن حضرت امیر علیه السلام فرموده: ﴿وَاصْطَفَىٰ سُبْحَانَہٗ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ، وَعَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ (ایمانم)، لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرَ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَهِلُوا حَقَّهُ، وَاتَّخَذُوا الْإِنْدَادَ مَعَهُ، وَاجْتَالَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ، وَافْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ، فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ، وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسَىٰ نِعْمَتِهِ، وَيَحْتَجُّوْا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ، وَ يُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ، وَيُرُوهُمْ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ. مِنْ سَقْفِ فَوْقَهُمْ مَرْفُوعٍ، وَمِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ، وَمَعَايِشَ تُحْيِيهِمْ، وَآجَالَ تُفْنِيهِمْ، وَأَوْصَابَ تُهْرِمُهُمْ، وَأَخْدَاتٍ تَتَابَعُ عَلَيْهِمْ. وَلَمْ يُخْلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ، أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ، أَوْ حُجَّةٍ قَائِمَةٍ: رُسُلٌ لَا تُقْصِرُ بِهِمْ قَلَّةٌ عَدَدِهِمْ، وَلَا كَثْرَةُ الْمُكَدِّبِينَ هُمْ: مِنْ سَابِقِ سُمِّيَ لَهُ مَنْ بَعْدَهُ، أَوْ غَابِرِ عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ: عَلَى ذَلِكَ نَسَلَتْ (ذَهَبَتْ) الْقُرُونُ، وَمَضَتْ الدُّهُورُ، وَسَلَفَتْ الْأَبَاءُ، وَخَلَفَتْ الْإِبْنَاءُ﴾<sup>۶</sup>.

در شرح خوئی در ذیل شرح این خطبه بحث دیگری نیز مطرح شده که اگر در جامعه ای مدیر نباشد آن اجتماع ناقص است و اجتماع کامل آن است که یک مدیری آن را اداره کند مثل بدن انسان که تمام اعضا و اندام توسط روح و عقل اداره می شوند فلذا اگر خداوند متعال برای اجتماع

<sup>۵</sup> سوره ابراهیم، آیه ۱۲۴.

<sup>۶</sup> نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۵، خطبه ۱.

<sup>۷</sup> سوره بقره، آیه ۲۴۶.